

سلیمان لایق

## مرگ، زندگی و تحول پذیری لندی ها

اگر مجموع لندی ها را با کتابی مشابه کنیم، این مجموع چنان کتاب بازی است که هر خواننده اجازه دارد در تمام فقرات آن تصرف کند. به تغیر، تبدیل، تقدیم و تأخیر کلمات حتی به حذف و ایراد بخشی دست بزند و مفاهیم جدیدی بر آن بیفزاید.

رودبار مستانه و پر شور لندی ها دائماً جای یک موج را به موج دیگر می سپارد و از سکون، سکوت و خشکیدن در بستر نخستین احتراز می کند. قطرات توحید شده در امواج، سنفونی سرچشمه ها را ادامه می دهد و هر گاه بر گوشها و دلها گرانی کند، نغمه ها و آوازهای اولین راتازگی می بخشند و مسیر را با همان آب مصفا و زندگی بخش سرچشمه ها تجدید می کند و از نو می آراید.

درخت پر بار لندی از بعضی جهات با درخت بلوط مانند است، بر گهایش همزمان و یک جا نمی ریزد بلکه تدریجی، بی صدا و نا مخصوص به خزان می رود. گل ها را در نظر می گیریم مثلاً گلاب سرخ را که سلطان باغ است، به زندگی وارد می شود به چمن زیبایی و طراوت می بخشند و روزی هم بی محابا پریپر می شود ولی با مرگ او سریال رنگپراگنی و عطر افشانی پایان نمی یابد. بودن راه طولانی است. قطره

SPINTA

ها جای قطره‌ها، برگ‌ها جای برگ‌ها و لندی‌ها جای لندی‌ها را پیر میکنند و همه در یک تناوب تاریخی بازی بودن را دوام می‌دهند.

گله بانان در چراگاه‌ها، دهقانان در کشتزارها، رهنوردان در قافله‌ها و آواز خوانان در مجالس سرود برای بیان آرزوها، تسکین دردها و فرو نشانیدن عطش سوزنده عشق دست به دامن لندی می‌زنند و حرف‌های دل خود را در آن فریاد می‌زنند. هر زمسن زمسن لندی است. میدانهای جنگ، جشن‌های عروسی، هعیاد مذهبی و میله‌های سنتی.

لندی هم عرصه تکرار است و هم میدان ابتکار. عرصه تکرار است زیرا سرچشمه‌ها را فراموش نمی‌کند و از ماهیت خود جدا نمی‌گردد. عشق را، مرگ را، زندگی و اساطیر را همچنان تکرار و نشخوار می‌کند. میدان ابتکار است زیرا می‌تواند سرودهای تازه بر آن بیفزاید و یا در لندی‌های موجود تصرف کند و آن را مطابق احساس و خواست خود مجدداً قالب کند، بخش از آن و یا مجموع آن را عوض نماید. در نتیجه این انبوه مردم است که تعیین می‌کند کدامین لندی‌ها را بر روی درخت همیشه بهار نگاه میدارد، کدام‌ها را سر از نو آرایش دهد و کدام‌ها را به دست فراموشی بسپارد.

به عقیده هم‌همین کرکتر تحول‌پذیر و تعمیمی لندی که دروازه را به روی همگان برای ورود به عرصه آفرینشی باز می‌گذارد و ابتکارها را به صورت دوامدار می‌پذیرد، موجب مقبولیت، عمومیت و دوام آن شده است.

از تحقیق و مقایسه تغییرات در لندی بر می‌آید که این فشرده‌های

SPINTEA

حکمت اندوز فلکلوری تحت تأثیر عوامل مختلف پی در پی دستخوش دگرگونی میگردد. این دگرگونی زاده عوامل گوناگون میباشد، چون تحولات اجتماعی، اقتصادی، فکری، مهاجرت ها و پروسه اصطکاک زبان های همسایه، فرهنگهای مهاجم، جنگها، آفات طبیعی و غیره... برای فهم بهتر این موضوع به متن لندی ها مراجعه میکنیم:

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

دنرپدلی بام په سر و لاپره یمه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

بر فراز پرتگاه سقوط استاده ام

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

دیپلتانه کاروان را حی قیامت به شینه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

کاروان جدایی می آید، قیامت خواهد شد

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

پرمخ می شال دیپلتانه و غورپدنه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

(که) شال فراق بر رویم گسترده شده

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

ختی پی کرپی کندونه بندونه

SPINTA

اگر دیدار میخواهی عجله کن

گل آبه کرده، رخنه هارامی بندد

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

کستی غرقیزی پرتخته ولا پریمه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

کشتی فرو میرود و من بالای تخته استاده ام

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

دم کرپی خاورپی می په سترگو دور وینه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

خاکهای دمیده را بر چشمانم میپاشند

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

په سپین کفن می پتهوی شینکی خالونه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

با کفن سقید خال های سبز مرا میپوشانند

که دیدن کرپی تلوارپی و کره

لحدتی کوز کرمه تختی را بانندی بدینه

اگر دیدار میخواهی عجله کن

در لحد گذاشتندم تخته هارا رویم میگذارند

تمام نیم بیتی های اول لندی های بالا متن واحد دارند ولی نیم بیتی

های دوم دارای متون جداگانه اند. همگونی نیم بیتیهی اول کدام توارد

SPINTA

ادبی نیست. سرقت هم نیست. زیرا این یگانه مورد همگونی  
قسمی در لندی ها نبوده، چنان موارد در لندی ها به صد ها میرسد و تنها  
مقید به نیم بیتی اول نبوده، نیم بیتی دوم نیز وسیعاً به آن معروض است.

سترگی دې دواړه را نېرېږې کړه

چې په ژړا شي مرغلرې تويوینه

هر دو چشمت را به من نزدیک کن

وقتی به گریه می افتد مروارید می بارد

تر خمار و سترگودې جارشم

چې په خندا شي مرغلرې تويوینه

فدای چشمهای خمار آلودت شوم

وقتی به خنده می افتد مروارید می بارد

عالمه سترگوته یې گوری

چې په ژړا شي مرغلرې تويوینه

ای مردم به چشمان او نگاه کنید

وقتی به گریه می افتد مروارید می بارد

یک مثال دیگر:

له ملکه ځمه خولگی را کړه

مدام به نه وي ستا ځواني زما سوالونه

از وطن میروم یک بوسه بده

نه جوانی تو جاودان خواهد بود، نه خواستهای من

SPINTA

په خوله کي سري سکوټي راکره  
مدام به نه وي ستا خواني زما سوالونه  
اخگر های سرخت را در دهانم بگذار  
نه جوانی تو جاودان خواهد بود، نه خواستهای من  
و این هم آخرین مثال درین مورد  
هره ناپسنده به دې یوسم  
په یارانہ کي دې شریک نه قبلومه  
هر (عمل) ناپسند ترا تحمل خواهم کرد  
(اما) در عشق تو شریک نمی پذیرم  
هلکه هر ناز به دې یوسم  
په یارانہ کي دې شریک نه قبلومه  
پسرک هر ناز ترا خواهم کشید  
(اما) در عشق تو شریک نمی پذیرم  
نیم بیتی های تکراری در لندی ها اقتباس شده از نخستین لندی است که  
از نسل سلف گویندگان لندی به نسل خلف انتقال یافته و اما نیم بیتی  
های تکرار ناشده گوناگون که محتوای جداگانه و مستقل دارد بخش  
های افزوده شده بر لندی قبلی میباشد. حتماً یکی از لندی ها درین  
گروپ ها مقدم ترین باشد و لندی های دیگر بعداً با تجدید نیم بیتی دوم  
آفریده شده اند. با قبول فرضیه بالا میتوان نتیجه گرفت که شاعران  
متأخر لندی در بعضی لندی های متقدمین تصرف کرده یکی از بخش

SPINTEA

های آن را مطابق به ذوق و خواست خود قسماً و یا کلاً عوض کرده است. برای تحمیل چنان تصرفی علت های گوناگون را میتوان حدس زد. از آن جمله تفاوت موقف اجتماعی، تفاوت زمان زیست، تفاوت کودهای حقوقی و ضوابط اخلاقی میان متقدمین و متأخرین. همچنان تفاوت کوچی گری باروستانیشینی، تفاوت محیط زیست و شاحص های جغرافیایی و اقلیمی و غیره میان شاعران لندی.

شاعر لندی که مسافر همین راه دراز مناسبات انسان با طبیعت و انسان با انسان است آرزوها، هوس ها، عشق ها و ایدال های خود را به وسیله سرایش لندی خای بکر و یا تصرف در لندی های قدیمی بیان میکند و بصورت آگاهانه و یا نا آگاهانه با تنقیض و ایزاد فقره ها، د کتاب مفتوح لندی، در پروسه رشد و تکامل دوام دار آن اشتراک می ورزد.

به نظر من از جمله لندی ها بخش لیریک آن که از غریزه آدمی و اعواطف مربوط زائیده از آن جو شیده است به تناسب لندی های دیگر دوام بیشتر دارد. عمر چنین لندی ها شبر درخت همیشه بهار و سر سبز حافظه مردم پایاتر از آن صنف هایی است که بیان مناسبات اجتماعی، رسوم، کودهای حقوقی و مناشیر اخلاقی و غیره اختصاص یافته است. این به دلیلی که غریزه جزء ذات آدمی و خاصه لاینفک اوست و آنچه به روابط اجتماعی، اخلاق و عادت او تعلق می گیرد معروض به تغیر و تحول دائمی می باشد. و البته دیرپایی لندی های لیریک به آن معنی نیست که هیچگونه نو آوری و تغیر رانمی پذیرد. اما اصناف دیلار لندی که به بیان پدیده ها و جوانب تحول پذیر زندگی داده شده اند، کم دوامتر

SPINTEA

اند و با ساقط شدن آن پدیده‌ها و مسائل خود نیز چون سوزن بر گهای  
فرسوده درخت همیشه بهار بدون حضور در یک خزان فراگیر، بی سر  
و صدا ساقط میشوند. لندی‌هایی که زندگی کوچیان را به بیان میگرد،  
از همین قبیل اند. مثلاً این لندی

موری کوچیانوته می ور کره

چی تورا ور بل می دایلبند شمال وهینه

مادر مرادر کوچیها به شوهر بده

تانسیم ایلاق در موهایم بیپیچد

فرضاً روزی کوچی گری در پشتون‌ها به پایان برسد، کوچیان  
شهر نشین شوند و به زندگی مدنی وارد گردند. دیگر این لندی‌ها، با  
غزندی و خیمه، اغیل و شتر چه رابطه‌ای خواهد داشت. چنان لندی‌ها  
چه چیزی را بیان خواهد کرد.

قابل فهم است که کوچی گری برای پروردن لندی‌ها آفریده نشده  
بلکه لندی‌ها هستند که به خاطر بیان کوچی گری و پدیده‌های دیگر  
زندگی اجتماعی آفریده شده‌اند. وجود لندی‌ها منوط و مشروط به  
وجود این پدیده‌هاست. وقتی که پدیده‌های مربوط ناپدید می گردند،  
لندی‌های ناشی شده از آن نیز از درخت همیشه بهار لندی ساقط شده راه  
دیار نیستی در پیش می گیرند. ولی لندی‌های عاشقانه چون بیدار شدن  
بهاران، خیزش بادها، مستی رودها، حشر شدن یاهان و شگفتن گلها  
تکرار خواهد شد و سرود عشق، شیفتگی، شیدایی و از خود رفتگی رادر  
شراین زندگی فریاد خواهد زد.

SPINTA